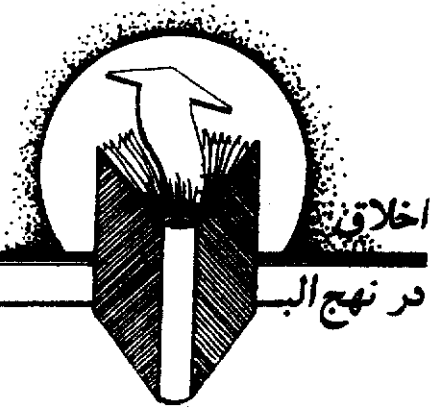


پرواداری و نیک



در نهج البلاغه



التَّقِيُّ رَئِيسُ الْاِخْلَاقِ

پرواداری رئیس اخلاق است.

تقی در واقع اسم است برای مصدر تقوی. تقوی را در فارسی: پرهیزکاری، خداترسی، خودنگهداری، خویشنداری، پارسایی و واژه هائی شبیه بدین تعییرات ترجمه می کنند اما هریک از این تعاییر مقداری از بار سنگین و مفهوم گسترده تقوی را در بردارد. آیه الله طالقانی در تفسیر «پرتوی از قرآن» تعییر «پرواداری یا پروا پیشگی» را برای این مفهوم پیشنهاد می کند. اگر چه پرواداری یا پروا پیشگی هم همه آن مفاهیم را به زبان فارسی منتقل نمی کند، لیکن از دیگر تعاییر جامعتر است، زیرا همانگونه که آیه الله طالقانی خود تشبیه می کند: تقوی شبیه به اتومبیلی است که برای تند رفتن به موقع لزوم گاز دارد و برای کند رفتن یا ایستادن به هنگام ضرورت ترمز دارد و برای تصحیح انحراف از مسیر مستقیم فرمان دارد، توجه کردن به این مسائل در موقعیتهای مختلف رسم تقوی پیشگی است و چون پروا در فارسی به معنی توجه کردن و به هر طرف و هر موقعیتی عنایت داشتن است، لذا در بین اصطلاحات فوق، واژه پرواداری یا پروا پیشگی برای تقوی در فارسی به مقصود رساتر است، و در این مبحث نیز هر جا پروا پیشگی یا پروادار گفته شد نیز به معنی متقی می باشد.

حال ببینیم تقوی چیست که در اساس اخلاق قرار دارد نخست از قرآن استمداد می جوئیم و سپس مفهوم تقوی را از نهج البلاغه استخراج می کنیم و بالاخره ارتباط آن را با اخلاق و اهمیت آن را در وجود همگسی، تا آنجا که در حوصله این مقاله باشد، به اجمال املا رسا، باز می گوئیم، ان شاء الله.

تقوی در قرآن

قرآن هیچ موضوعی را مانند کتب کلاسیک

تخصصی، تعریف نمی کند، بلکه صفات و خصوصیات، نشانه ها و آینده و گذشته و قرینه های آن موضوع و نشانه ها و ویژگیهای دارنده آن یا مخالف با آن را به روشنی بیان می کند، تا هر کس، با هر استعداد و شناخت و توان و تصمیم بتواند خود را بدان نزدیک گرداند یا از آن دور کند. درباره تقوی هم همین عمل را انجام می دهد.

در قرآن حدود ۲۰۰ بار از تقوی و مشتقات آن سخن به میان آمده است که در زیر نمونه هائی از آن می آید:

بر کسیست که تقوی داشته باشد:

وَلَيْسَ الْبِرَّانَ تَاتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا
وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى...

(بقره / ۱۸۹)

و بر آن نیست که از پشت خانه ها وارد آنها شوید، ولی بر کسیست که پروا پیشگی کرد.

کسانی که در جهت تقوی حرکت می کنند در برابر انحرافها و منحرفین درونی و بیرونی به یاد مکتب و مبدأ می افتند و راه خود را به روشنی بازمی یابند:

أَنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذْ أَسْأَلَهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ
تَذَكَّرُوا فَإِذْ هُمْ مُبْصِرُونَ (اعراف / ۲۰۱)

بیگمان کسانی که پروا پیشگی کردند هنگامی که و سوسه جریان دارنده ای از شیطان و جودشان را لمس کرد متذکر می شوند پس در این هنگام آنان دارای بصیرت هستند.

یکی از عوامل تقوی توجه به قوانین الهی و عمل کردن بدان است:

خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ
لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (بقره / ۶۳)

آنچه را به شما داده ایم بانیر و مندی بگیرید و آنچه را در انست پیوسته به یاد داشته باشید باشد که پروا پیشگی سازید.

یکی دیگر از عوامل ایجاد تقوی روزه داریست:

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (بقره / ۱۸۳)

روزه بر عهده شما (به عنوان یک قانون) نوشته شده است، همانگونه که بر امتهای پیش از شما نیز نوشته شد، باشد که بدین وسیله به پرواداری برسید.

کسی که تقوی داشته باشد هرگز در تنگنا گرفتار نمی شود:

... وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا
وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ...

(طلاق / ۲-۳)

و هر کس پروای خدای را پیشگی کند خدای بیرون رفتن برای او قرار می دهد و از جانی که به حساب نمی آورد او را برخوردار از روزی می کند.

جهاد

رفتاری



کسی که تقوی پیشه کند گرفتاریهایش به آسانی برطرف می‌گردد و آثار کارهای بدش نیز زوده می‌شود:

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا. ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَكْفُرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمَ لَهُ أَجْرًا (طلاق / ۴۵)

وهرکس پروای خدای درپیش گیرد از امر خود آسانی و سهولت را فراهم آورد و این امر خداست که به سوی شما فرود آورده است، و هرکس پروای خدا را پیشه سازد بدیهایش را از اومی زداید و پاداش او را بزرگ می‌گرداند.

کسی که ضابطه تقوی را در پیش نداشته باشد به هیچ پیمانی پایبند نیست:

إِنَّ شَرَّ النَّوَابِغِ عَدَاةُ الَّذِينَ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ. الَّذِينَ عَاهَدتْ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَ هُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ (انفال / ۵۵-۵۶)

بیگمان بدترین جنبه در نزد خدا کسانی هستند که کافر شدند پس ایشان ایمان نمی‌آورند. کسانی که از ایشان تعهد گرفتند و پیمان بستن سپس پیمانشان را در هر بار می‌شکنند و ایشان پروانگی گیرند.

افراد باتقوی در پی هم آمدن شب و روز و دیگر آفریدگان پروردگار در آسمانها و زمین (سراسر)

جهاد

کسانی که در جهت تقوی حرکت می‌کنند در برابر انحرافها و منحرفین درونی و بیرونی به یاد مکتب و مبدا می‌افتند و راه خود را به روشنی بازمی‌یابند.

تقوی شبیه به اتومبیلی است که برای تندرقتن، به موقع لزوم گاز دارد و برای کند رفتن یا ایستادن به هنگام ضرورت ترمز دارد و برای تصحیح انحراف از مسیر مستقیم، فرمان دارد.

در هر مورد که خدا بندگان را به يك عمل انقلابی و برخلاف سنت جاهلیت فرامی‌خواند یا برای ترك سنت نادرستی ارشاد می‌کند یا امر مولوی دارد، قبل یا بعد از آن امر یا ارشاد، به تقوی تشویق می‌کند و آنرا زمینه اصلی آن اقدام قرار می‌دهد.

درس هفتم



جهان را نشانه‌هایی از وجود خدا می‌بینند. (یونس / ۱۰) گفتار استوار و زندگیبخش، رعایت عدالت در مورد دوست و دشمن، بزرگداشت قوانین و شعائر بیدار سازنده وجدانها و انسانها، راستگویی و راست دانستن قوانین و سستیهای الهی از نشانه‌های باتقویان است.

قرآن برای پروا پیشگان هدایت است و پندهنده و برای عموم مردم گفتاریست روشنگر. کسی که خدای را پروا گیرد خود را از هر تعلقی آزاد ساخته تنها به او پیوسته است و ولی او خدا است.

اینها برخی از نشانه‌های پروا پیشگان، عوامل رسیدن به پروا پیشگی و نتایج و فرایند پروا داریست. و در هر مورد که خدا بندگان را به یک عمل انقلابی و برخلاف سنت جاهلیت فرامی‌خواند یا برای ترك سنت نادرستی ارشاد می‌کند یا امری مولوی دارد، قبل یا بعد از آن امر یا ارشاد، به تقوی تشویق می‌کند یا آن را زمینه اصلی آن اقدام انقلابی قرار می‌دهد. همچون هنگامی که می‌خواهد مردم دست از رباخواری بردارند از بیغیر اطاعت کنند، شکر گزار پروردگار باشند، به فلاح برسند، در میان خویشان و افراد خودی دست به اصلاح بزنند و امثال این کارها.

اینها همه رفتار، خوی و خلق است که بدون زمینه تقوی به دست نمی‌آیند، یا اگر وجود دارند به خوبی اجرانی شوند. پس ریاست تقوی بر اخلاق در قرآن به روشنی پیداست. اگر تقوی نباشد هیچ رفتار و خلق و خوی انسانی و سازنده از کسی نمی‌زند، و اگر کسی تظاهر به تقوی کند به زودی رسوایی شود و عمل متظاهرانه‌اش چون بی‌ریشه و بنیاد است هیچ سود و دوام و نتیجه و اثربخیر و برکی ندارد. و عملی که پروا پیشگان و مخلصانه و بی‌ریا انجام گیرد، هر چند کوچک باشد، چنان برکت و گسترش و اثری دارد که چون امواج دریا هر لحظه گسترش بیشتری می‌یابد و وقتی موج شود بازم جزء دریاست و از آن جدا نمی‌شود و گوهری باقی و فیض بخش خواهد بود.

ادامه دارد